

شهید اکبر حیدری



از تبای علی

سازمان جامع سواد لای و دوز شمس استان بوئهر

عباسقلی	نام پدر
۱۳۴۸/۱۰/۱۱	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۱۳۶۷/۰۱/۲۹	تاریخ شهادت
فاو	محل شهادت
ییسیم چی	مسئولیت
پاسدار و وظیفه	نوع عضویت
—	شغل
سوم راهنمایی	تحصیلات
جتوط	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید اکبر حیدر یفرزند عباس در سال ۱۳۴۸ در یک خانواده مذهبی و بی بضاعت در روستای جتوط چشم به جهان گشود و از همان اوان کودکی بانسقات و دشواریهای گوناگون روبه رو شد. تحصیلات ابتدائی خود را در روستای محل تولدش جتوط گذراند پس وارد دوره ی راهنمایی گردید وی پس از اتمام سال دوم راهنمایی ترک تحصیل نموده و به کمک پدر دست پینه بسته خود شتافتند.

شهید حیدری که از اعضای فعال پایگاه مقاومت روستای جتوط بود و همین امر باعث شد که هشت ماه قبل از موعد خدمت وظیفه داوطلبانه و مشتاقانه لباس مقدس پاسداری وظیفه ای را بپوشد و عاشقانه و مخلصانه پست حساس اطلاعات خط مقدم را پذیرفت تا آنکه به دیدار خدای خویش شتافت و سرانجام در زادگاهش روستای جتوط خاک سپرده شد.

نام ایشان را مادرشان انتخاب کردند. شهید در دوره ی کودکی با توجه به علاقه وافر که به پدر و مادر و خانواده ی خود داشت، در بسیاری از زمینه ها به پدر و مادر خود کمک می کردند و بیشتر اوقات را همراه پدر خود می گذراندند.

ایشان در دوران تحصیل در مقطع ابتدائی بسیار دانش آموز فعال و مستعدی بودند و یکی از شاگردان نمونه بودند. شهید وقتی وارد دوره ی راهنمایی شدند با مسائل جبهه و جنگ و انقلاب آشنائی بیشتری پیدا کردند و نسبت به درس و مدرسه کم علاقه تر شدند و بیشتر عاشق جبهه و انقلاب بودند. ایشان علاقه ی وافر که به امام و سخنان ایشان داشتند و نوارها و پوسترها و اعلامیه های امام را پیدا می کردند و با دقت گوش می دادند و آنها را می خواندند. شهید در سال دوم راهنمایی مدرسه را ترک و به دعوت رهبر کبیر انقلاب لبیک گفتند. ایشان به طور داوطلبانه به خدمت رفتند. ایشان مجرد بودند و تشکیل خانواده ندارند. شهید قبل از رفتن به جبهه همیشه در پایگاه مقاومت حضور مستمر داشتند و در کارهای مذهبی و مراسمات شرکت فعالانه داشت. شهید همیشه با توجه به اهمیتی که برای مسائل دینی قائل بودند در نماز جماعت در مسجد شرکت می کردند. ارتباط ایشان با همه ی اعضای روستا خوب بود و با کسی مشکل نداشتند و با همه رفتاری خوب داشتند و همه را نصیحت به انجام کارهای خیر و نماز و روزه می کردند و همیشه توصیه می کرد که امام را فراموش نکنید. ایشان در زمینه کمک به خانواده از

آنجا که شغل پدر کشاورزی بود در انجام امور نخیلات بسیار همکاری می کردند و همیشه یار و یاور پدرشان بودند.

ایشان عاشق شهادت بودند و یکی از بزرگترین آرزوهای ایشان بود که به شهادت برسند و به ایم مقام بزرگ نائل شوند و تا آن جا که بعد از تشییع پیکر شهید استواریان وقتی به خانه آمدند دستها را به سوی آسمان بلند کردند و گفتند: ای خدا تا سالگرد این شهید من هم شهید شده باشم. بالاخره ایشان در تاریخ ۲۹/۱/۶۷ به علت اصابت ترکش به پا و سر ایشان به درجه ی رفیع شهادت رسیدند و در تاریخ ۷/۲/۶۷ در زادگاهش گلزار شهدا روستای جتوط به خاک سپرده شدند.

باعث افتخار ماست که توانستیم خدمت کوچکی به این وطن و امام (ره) کنیم و امیدواریم که خدا را از ما راضی باشد، فرزندان امانتهای خدا هستند و هر کسی به طریقی بسویش باز می گردد و چه افتخاری بالاتر از این که به درجه ی رفیع شهادت برسی و خانواده شهید باشی.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید اکبر حیدری

خدایا تو را شاهد و گواه می گیرم که این راه را با آگاهی کامل انتخاب نمودم و با تمام وجودم شهادت را می پذیرم و تنها آرزوی من شهادت در ره توست .

خدایا تو را به خون پاک سرور شهیدان حسین بن علی قسم می دهم که مرا به آرزوی دیرینه ام که همان شهادت است برسان .

وصیت دیگرم به تمام خواهرانم این است مه حجاب خود را رعایت کنید و پشت جبهه را گرم نگه دارید و با تربیت فرزندان خود رزمندگان آینده اسلام را پرورش دهند .

مصاحبه

مصاحبه با اعضای خانواده شهید

ویژه والدین شهید اکبر حیدری . پدر شهید عباس حیدری

شرح زندگی شهید

الف) دوره پیش از تولد :

نام شهید بر اساس نام نویسی انتخاب شد که اسم اصغر انتخاب شده بود که مادر شهید نان اکبر را برای وی برگزید .

ب) دوره کودکی :

علاقه بسیار زیادی به پدر و مادر داشت . کمک بسیار زیادی به خانواده می کرد و بیشتر اوقات همراه پدر می گذارند .

ج) دوره خردسالی (د) دوره نوجوانی و جوانی

شهید حداکثر سعی و تلاش خود را در زمینه تحصیل به عمل می آورد و در سال دوم راهنمائی بود که ترک تحصیل نمود و به شوق جبهه از مدرسه شهید اسماعیل ترک تحصیل نمود و به عنوان وظیفه قبل از موعد مقرر به خدمت اعزام شد . از معلمین دوره ی راهنمایی وی دکتر عبدالعلی قاسمپور – مصیب بناری – عوض اسماعیلی و دیگر معلمین عزیز بوده اند . ایشان در کارهای باغداری به پدر در خارج از خانه کمک می کرد و علاقه خاصی به رفت و آمد به خانه اقوام و خویشان داشت علاقه زیادی به ولایت فقیه و رهبری اسلام داشت و از شوق جبهه و حضور در جنگ روحیات وی عوض شد و به درس و مدرسه علاقه کمتری نشان داد . در مراسمات مذهبی و حضور در مسجد و بسیج علاقه زیادی داشت در مورد علاقه شهید به شهادت همین بس که در روز تشییع جنازه شهید استواریان بعد از این که به خانه برگشت روبه قبله ایشاد دو دستهایش را بلند کرد و دعا کرد خدایا به حق خون شهید استواریان مرا به آرزویم که شهادت است برسان .

دوره سربازی

۱- آیا به خاطر دارید که خدمت سربازی را در کجا گذارنید و تاریخ شروع و پایان آن بفرمائید . چه مدت از خدمت سربازی در جبهه بود ؟

دوره آموزشی سربازی را در بوشهر گذرانید پس به جبهه فاو اعزام شد و در سال ۶۶ در یکی از ماههای آبان یا آذر که خدمت وی شروع و حدود دوماه در جبهه بود و علاقه زیادی به خدمت سربازی در جبهه داشت .

در خصوص ازدواج شهید مجرد بوده و ازدواج نکرده بودند .

.....

.....

دفاع مقدس و شهادت

الف) سوابق جبهه

۱- نظر شهید در مورد جبهه و جنگ چه بوده است و چه توصیه‌هایی در این مورد به شما و بستگان و دیگران می‌کرد؟

— شهید با توجه به حس نوع دوستی و میهن پرستی که داشت به جبهه رفت و به دیگران توصیه می‌کرد که جبهه را فراموش نکنند.

۲- اولین بار در چه سنی و چگونه به جبهه اعزام شدند؟

— در سن ۱۶ سالگی بصورت داوطلب به خدمت سربازی رفت و قبل از آن در زمان دفاع مقدس در بسیج و با پایگاه مقاومت همکاری داشته است.

۳- آیا در زمان حضور در جبهه برای شما نامه می‌نوشت به چه مسائلی را مطرح می‌کرد؟ آیا نامه‌ها موجودند؟ نزد چه کسی است؟

— در زمان جبهه برای ما نامه می‌نوشت که همه بیانگر اطاعت از رهبری و گرم نگه داشتن جبهه بود.

ب) شهادت

۱- چگونه و توسط چه کسی از شهادت فرزندان باخبر شدید؟

— شهادت ایشان توسط عمویش اسماعیل حیدری به ما اطلاع داده شد.

۲- شهادت ایشان چه تأثیری بر شما و اعضای خانواده گذاشت و برای استقبال از شهید چه کارهایی انجام دادید؟

— شهادت ایشان باعث شد ما خانواده را طوری دیگر یعنی در عالم معنویت و احساس مسئولیت بیشتر در برابر انقلاب و دین اسلام نشان دهیم و برای استقبال از شهید همه خویشاوندان و مردم محل همکاری و حضور گسترده را انجام دادند و در تشییع جنازه شرکت داشتند.

۳- آیا شهید تشییع جنازه شده چند روز بعد از شهادت تشییع گردید؟ تاریخ تشییع و محل دفن و نام گلزار را بیان نمایید.

— پس از چهار روز از شهادت در روستای جتوط در گلزار شهدای این روستا دفن گردید.

۴- از اینکه خانواده معظم شهید هستید چه احساسی دارید؟

— از اینکه خانواده شهید هستیم خوشحالیم و از بابت این که به آرمان شهدا توجه نمی‌شود نگران و ناخرسندیم.

۵- شما به عنوان پدر یا مادر شهید چه پیامی، سخنی با مردم و مسئولین دارید؟

— ما به عنوان پدر و مادر شهید از مسئولین انتظار داریم که توجه به هدف و آرمان شهیدان داشته باشند و

همچنین از مردم انتظار داریم که توجه به هدف و آرمان شهیدان داشته باشند و همچنین از مردم انتظار داریم که از اسلام و انقلاب و رهبری جدا نشوند .

مصاحبه با اعضای خانواده شهید :

ویژه خواهران شهید اکبر حیدری

ضمن معرفی خود خواشمندیم به سؤالات ما پاسخ فرمائید ؟

— من خواهر شهید اکبر حیدری هستم ، ۴ سال اختلاف سنی با شهید دارم

از محبوبیت شهید در میان اعضای خانواده بگوئید ؟

— تا آن جا که به یاد دارم یک جذابیت خاصی در بین اعضا خانواده داشتند و تا آن جا که حتی می توانم بگویم از همه خوش اخلاق تر بود هر وقت دور هم می نشستیم اول ایشان باب سخن را باز می کرد و همه را به حرف زدن و شوخی کردن وا می داشت

از حالات و روحیه ایشان در موقع رفتن به جبهه بگوئید؟

— ایشان در سن ۱۷ سالگی به شهادت رسیدند و از نوجوانی بسیار مذهبی بودند و تقریباً قبل از این که به جبهه بروند یک حالی دیگر شده بودند که این رفتارشان را در رفتار کردنش با مادرم متوجه شدم .

۳— نحوه ی رفتار ایشان با شما و دیگر اعضا خانواده چگونه بود ؟

چون که پدر و مادرم واقعاً ایشان را دوست داشتند او هم علاقه ی خاصی به آنها و همه دیگر اعضای خانواده داشت .

۴— ارتباطش با شما خواهر و برادرانش و همچنین دیگران چگونه بود ؟

— چون که خوش اخلاق بودند با همه خواهر و برادرها ارتباط خوبی داشتند خیلی دلسوز و خوش بودند و اگر کسی را می دیدند که یک کم ناراحتی دارد چه از نظر جسمی چه از نظر مالی چنان به فکر فرو می رفت و دلسوزی می کرد که یکی می خواست و باره خود او را دلداری بدهد .

چه سفارشات و نصیحتهایی به شما می کرد ؟

— همیشه ما را نصیحت می کرد که به فکر خواهر و برادرهای مستضعف و مسلمان باشیم و می گفتند نماز و روزه را فراموش نکید و از برادران می خواست که مسجد را ترک نکنید .

۶. آیا دوست صمیمی داشت رفتارشان با آنها چگونه بود ؟ و در مورد انتخاب دوست چه توصیه هایی می کرد ؟

— با دو دوست صمیمی بود ولی رفتارشان با همه خوب بود و همیشه توصیه می کرد دوست را اول خوب بشناسید و بعد با آن رابطه برقرار کنید و اهل مذهب باشد

در صورت رعایت حقوق دیگران (حق الناس) چگونه عمل می کرد ؟

— اگر به اندازه یک جواز مال کسی در خانه ما بود اگر هم نداشتیم

انسی و علاقه شهید به قرآن کریم و ذکر خدا (دعا ، راز و نیاز و ...) چگونه بود ؟

— همیشه در مدرسه قرآن صبحگاهی توسط ایشان تلاوت می شد و علاقه بخصوص به نماز و روزه و قرآن داشت .

در مورد نقش و جایگاه نمازهای جماعت و جمعه چه اعتقادی داشت و چگونه عمل می کرد ؟

— نماز جماعت چون در روستای ما برگزار نمی شد یادم نمی آید ولی همه روزه برای خواندن نماز یا حتی مراسمها به مسجد می رفت .

نسبت به انجام فرایض دینی مثل نماز و روزه و .. چگونه بود ؟

— همان طور که گفتیم علاقه زیادی به انجام فرایض دینی داشتند و همیشه قرآن را با صوت تلاوت می کرد .

در خصوص ارادت و معرفت و اظهار محبت شهید به اهل بیت (ع) و توسل به ائمه طاهرين (ع) توضیح دهید ؟



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران